

پیگیری حقوقی جنایات دشمن، یک تکلیف راهبردی و ملی است

مصونیت جنایتکاران طبقه اپستین باید با ظرفیت «صلاحیت جهانی» برهم زده شود

ظرفیت‌های موجود در حقوق کیفری بین‌المللی باید برای تعقیب آمران و عاملان جنایات طبقه اپستین در جنگ‌های تحمیلی دو و سوم علیه کشورمان فعال شود تا هیچ جنایتکاری از پاسخگویی قضایی مصون نماند



پیگیری حقوقی جنایات طبقه اپستین در دو مقطع جنگ ۱۲ روزه و ۴۰ روزه و مجازات عاملان آن، در چارچوب حقوق کیفری بین‌المللی، بخشی از فرآیند احقاق حق و اعمال مسئولیت کیفری عاملان نقض قواعد بنیادین حقوق بشر دوستانه به شمار می‌آید، چراکه حمله به اهداف غیرنظامی، آسیب به زیرساخت‌های حیاتی و اقداماتی که در زمره جنایات جنگی قرار می‌گیرد، نیازمند مستندسازی حقوقی و پیگیری در مراجع صالح قضایی است و در این مسیر، استفاده از ظرفیت‌های موجود در حقوق بین‌الملل، از جمله اصل «صلاحیت جهانی»، می‌تواند امکان تعقیب مرتکبان این جرائم را در نظام‌های قضایی داخلی کشورهایی که قوانین لازم‌رأ بیش‌بینی کرده‌اند، فراهم کند، به طوری که صلاحیت جهانی بر این مبنا استوار است که برخی جرائم به دلیل شدت و آثار فرامرزی، نباید مشمول مصونیت یا بی‌کیفری شوند و البته تبدیل وقایع میدانی به پرونده‌های قضایی معتبر، نیازمند جمع‌آوری ادله، احراز زنجیره فرماندهی و تطبیق اقدامات ارتکابی با معیارهای حقوق کیفری بین‌المللی است و پیگیری این مسیر، بخشی از مسئولیت ملی برای صیانت از حقوق ایرانیان و جلوگیری از تکرار نقض‌های فاحش حقوق بشر دوستانه محسوب می‌شود.

■ ■ ■

بر اساس قواعد جهانی، جنایات جنگی که قواعد داخلی برخی از کشورها قانون‌نگاری شده یا تمسک به آن قواعد می‌توان جنایات را در دادگاه‌های داخلی آنان دنبال کرد. وقتی جنایات متجاوزان از مرزهای انسانی عبور کرده و به مدارس و زیرساخت‌های می‌رسد، «صلاحیت جهانی» تنها ابزاری است که می‌تواند مصونیت کاذب جنایتکاران را به زنجیری از مجازات تبدیل و ثابت کند گریزی از قانون وجود ندارد. در تجاوزات اخیر رژیم صهیونیستی و متحد امریکایی‌اش به خاک جمهوری اسلامی ایران، مسأله یک الگوی جنایی سیستماتیک روبه‌رو هستیم. این تجاوز، مجموعه‌ای از نقض‌های آشکار قواعد امره حقوق بین‌الملل است. در جهانی که ادعای صیانت از حقوق بشری می‌کند، اما در برابر جنایات سازمان‌یافته در خاک ایران سکوتی مرگ‌بار پیشه کرده است، باید از چارچوب‌های سنتی دیپلماتیک خارج شد و به سراغ حقوق کیفری بین‌المللی و ابزار قدرتمند صلاحیت جهانی رفت تا عدالت نه‌از طریق التماس، بلکه از طریق اجبار قانونی جاری شود.

۲. دسته‌ای جنایات اصلی در ایران محقق شد
حملات صورت گرفته به مدارس، مراکز آموزشی و زیرساخت‌های حیاتی شهری ایران، از منظر حقوق بین‌الملل، در سه دسته کلی از جنایات قرار می‌گیرد که هر کدام در دادگاه‌های کیفری قابل پیگیری است:
۱. نقض قاعده تفکیک: بر اساس «پروتکل اول کنوانسیون ۱۹۷۷)، تفکیک میان اهداف نظامی و اهداف غیرنظامی مهم‌ترین قاعده جنگ است. هدف قرار دادن مدارس، مراکز بهداشتی و زیرساخت‌های

شهری، نه تنها یک اشتباه تاکتیکی، بلکه یک جنایت جنگی آشکار است. طبق ماده ۵۲ این کنوانسیون، هرگونه حمله به مراکز غیرنظامی ممنوع است؛ بمباران مدارس، در واقع تلاشی برای نابودی آینده یک ملت و نقض صریح حق تحصیل و حق حیات است. وقتی یک موشک، سقف یک مدرسه را می‌شکافد، تمام معاهدات بین‌المللی در مورد حقوق کودک و حقوق بشر را به یکباره به استهزای می‌گیرد.
۲. نقض قاعده تناسب: در حقوق جنگ، حتی اگر یک هدف نظامی در نزدیکی یک مرکز غیرنظامی باشد، حمله باید متناسب باشد. تخریب سیستماتیک زیرساخت‌های حیاتی که منجر به فلج شدن زندگی روزمره هزاران انسان شود، طبق ماده ۵۱ کنوانسیون ژنو، مصداق جنایت علیه بشریت است. این اقدامات

در حقوق کیفری بین‌الملل، برخی جرائم به دلیل شدت تخلف و اثرات ویرانگر، تحت عنوان دشمن بشریت شناخته می‌شوند. بر این اساس، بدترین صلاحیت جهانی اجازه می‌دهد تا هر کشوری، بدون نیاز به اینکه جرم در خاک آن رخ داده باشد یا متهم شهروند او باشد، اقدام به بازداشت و محاکمه او کند. این صلاحیت بر پایه تعهدات ارتاگومنس است، یعنی تعهداتی که دولت‌ها در برابر کل جامعه جهانی دارند تا جنایات جنگی را بدون پاسخ نگذارند. این ابزار، دقیقاً برای دور زدن مصونیت‌های دیپلماتیک طراحی شده است. در بسیاری از شکل‌گیری رفتارهای بین‌المللی (ICC) به دلیل ساختار سیاسی و حق وتوی قدرت‌های بزرگ، در برابر جنایات صهیونیست‌ها فلج است، اما صلاحیت جهانی در دادگاه‌های داخلی کشورهای ثالث، این بی‌بستی را می‌شکند، یعنی اگر

نشان دهنده استراتژی «تخریب جامع» است که هدف آن نه تنها شکست نظامی نیست و نابودی زیست اجتماعی یک ملت را دنبال می‌کند.
۳. تئور در حریم خصوصی و تجاوز به حاکمیت ملی: تئور رهبر شهید و سایر دانشمندان نظامیان در منازل مسکونی، نقض مستقیم ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR) در مورد حق حیات است. از منظر حقوق بین‌الملل، تئور مقامات عالی‌رتبه یک کشور در حریم خصوصی آنها، یک جنایت فردی نیست و جنایت علیه صلح و پذیرش بین‌المللی و نقض ماده (۴)۷ منشور سازمان ملل در مورد ممنوعیت استفاده از زور علیه تمامیت ارضی و استقلال سیاسی کشورهاست.
■ عبور از بی‌بستی‌های سیاسی و مصونیت‌های کاذب

در حقوق کیفری بین‌الملل، برخی جرائم به دلیل شدت تخلف و اثرات ویرانگر، تحت عنوان دشمن بشریت شناخته می‌شوند. بر این اساس، بدترین صلاحیت جهانی اجازه می‌دهد تا هر کشوری، بدون نیاز به اینکه جرم در خاک آن رخ داده باشد یا متهم شهروند او باشد، اقدام به بازداشت و محاکمه او کند. این صلاحیت بر پایه تعهدات ارتاگومنس است، یعنی تعهداتی که دولت‌ها در برابر کل جامعه جهانی دارند تا جنایات جنگی را بدون پاسخ نگذارند. این ابزار، دقیقاً برای دور زدن مصونیت‌های دیپلماتیک طراحی شده است. در بسیاری از شکل‌گیری رفتارهای بین‌المللی (ICC) به دلیل ساختار سیاسی و حق وتوی قدرت‌های بزرگ، در برابر جنایات صهیونیست‌ها فلج است، اما صلاحیت جهانی در دادگاه‌های داخلی کشورهای ثالث، این بی‌بستی را می‌شکند، یعنی اگر

دادگاه‌های آنها در پرونده‌های مربوط به حقوق بشر بسیار مستقل عمل می‌کنند و پذیرای شکایت‌های مستند در مورد نقض کنوانسیون‌های ژنوهستند.
۴. بلژیک و اسپانیا: اگرچه این دو کشور در سال‌های اخیر برای کاهش فشارهای دیپلماتیک، محدودیت‌هایی در قوانین صلاحیت جهانی ایجاد کردند، اما همچنان در موارد جنایات علیه بشریت و نسل‌کشی، امکان پذیرش شکایت و صدور حکم بازداشت بین‌المللی را دارند. پرونده تاریخی پینوشه در اسپانیا نشان داد که هیچ حصری نمی‌تواند مانع از اجرای عدالت شود.

■ از احکام مکتوب تا روش‌های عملی
برای آنکه اِسن ادعاهای حقوقی به‌ احکام اجرایی تبدیل شوند، جمهوری اسلامی ایران باید وارد یک فاز تهاجمی در حوزه حقوقی شود. این مسیر شامل سه گام استراتژیک است:

اول: مستندسازی جنایی و کالبدشکافی: تبدیل هر اثر تخریب‌شده در مدارس و زیرساخت‌ها به یک سند کیفری معتبر. استفاده از تکنولوژی‌های نوین، تصاویر ماهواره‌ای و تحلیل‌های بالستیک برای اثبات منشأ موشک‌ها و شناسایی زنجیره فرماندهی. هر قطعه از آوار باید به عنوان دلیلی بر جنایت جنگی در دادگاه‌های داخلی کشورهای ثالث ارائه شود.

دوم: تشکیل شبکه‌های و کانلی بین‌المللی: بهره‌گیری از حقوقدانان برجسته و سازمان‌های غیر دولتی (NGO) در سراسر جهان برای طرح شکایت در دادگاه‌های داخلی کشورهای مذکور (مانند اسپانیا یا سوئد). هدف این است که پرونده‌های جنایات جنگی دشمن، نه در لابه (که تحت تأثیر قدرت‌هاست)، بلکه در دادگاه‌های ملی کشورهای مختلف به جریان بیفتد تا فشار بر متجاوزان از چندین نقطه همزمان وارد شود.

سوم: فعالسازی حکم بازداشت بین‌المللی: هدف نهایی، صدور احکام بازداشت در دادگاه‌های داخلی کشورهای مختلف است. وقتی یک حکم بازداشت کشور برای اسپانیا یا نروژ صادر شود، تردد مقامات متجاوز در جهان محدود شده و آنها در هر فرد دگاهی با ریسک بازداشت و استرداد مواجه می‌شوند. این یعنی تبدیل دنیای آنها به یک زندان بزرگ و اجرای قواعد حقوقی در مقیاس جهانی.

■ خوشنواهی یک تکلیف است!
امروز و پس از گذر از رنج‌های تحمیلی دشمن، پیگیری حقوقی جنایات دشمن، یک تکلیف راهبردی و ملی است. عهد ما با رهبر شهیدمان، جوانانمان و مردممان این است که هیچ جنایتی بدون مجازات نماند و هیچ قطره خونی بی‌پاسخ نباشد. ما نباید تنها به انتظار برای احکام دادگاه‌های بین‌المللی باشیم، بلکه باید با استفاده از صلاحیت جهانی، جنایتکاران را در هر کجا که باشند، هدف قرار دهیم. بقیه جنایتکارانی که به‌خون شهدای میناب و دیگر جانباختگان آلوده‌اند، نباید رها شوند. این تعهد، پاسخی است به ادعای دشمن مبنی بر اینکه می‌تواند با تکیه بر قدرت نظامی، قوانین جهانی را مورد بزند.

الگوریتم‌ها و چالش جدید مسئولیت کیفری نوجوانان در جرائم سایبری



چالش‌های خطرناک در شبکه‌های اجتماعی مربوط می‌شود که نوجوانان را به انجام رفتارهای پرخطر یا غیرقانونی تشویق می‌کند. در موارد دیگر، آموزش‌های غیررسمی مرتبط با نفوذ به حساب‌های کاربری، دور زدن سامانه‌های امنیتی، دستکاری داده‌ها یا استفاده غیرقانونی از نرم‌افزارها در قالب وبمنوها و محتوای جذاب در اختیار نوجوانان قرار می‌گیرد. الگوریتم‌های پیشنهاد محتوای تشخیص علاقه کاربران به این موضوعات، به تدریج محتوای مشابه بیشتری را در معرض دید آنان قرار می‌دهند و به این ترتیب نوعی مسیر تدریجی برای آشنایی و حتی تمرین رفتارهای شبه‌مجرمانه یا مجرمانه شکل می‌گیرد. نکته قابل توجه آن است که بسیاری از نوجوانان در چنین فضایی، این رفتارها را نه به عنوان جرم بلکه به عنوان نوعی بازی، چالش یا مهارت دیجیتال تلقی می‌کنند و از پیامدهای حقوقی آن آگاهی کافی ندارند. این وضعیت موجب شده است که مرز میان رفتارهای سرگرمی‌محور و رفتارهای مجرمانه در فضای سایبری برای نوجوانان تا حد زیادی مبهم شود.

■ الگوریتم‌ها و خلأهای حقوقی در تعیین مسئولیت
اهمیت این مسئله، بررسی‌های حقوقی و جرم‌شناختی در بسیاری از نظام‌های حقوقی، از جمله در ایران، هنوز به‌طور جدی به نقش ساختارهای الگوریتمی در شکل‌گیری بزکارهای سایبری نوجوانان نیز داخته‌اند. حقوق کیفری سنتی عمدتاً بر فرض استقلال اراده فرد

۱۲ یادداشت علی تقی‌نوهسی

پایان دوران مصونیت‌های ابدی جنایتکاران

تمام تکان‌ها و تحولات اخیر در عرصه حقوق بین‌الملل، در خدمت یک اصل بنیادین و تغییرناپذیر است و آن «برگشت به کرامت انسانی» است. حقوق بشر زمانی که از حالت شعارهای سیاسی خارج شده و به ابزاری برای دادخواهی تبدیل نشود، به ما می‌گوید که هیچ انسانی، چه در کوچه‌های ویران شده غره و چه در حریم امن ایران، نباید قربانی بازی‌های استراتژیک و سیاست‌های تهاجمی شود. وقتی بمب‌ها مدارس را هدف قرار می‌دهند، تنها یک ساختمان تخریب نمی‌شود؛ این «حق تحصیل» و «حق حیات» است که به عنوان دور کن اصلی بقای بشر زیر ضربه می‌روند، ترور در حریم خصوصی و نقض امنیت منزل، تجاوز به مقدس‌ترین مکان زندگی انسان و ضربه‌ای مستقیم به مفهوم «کرامت انسانی» است و این جنایات، دیگر نمی‌تواند خود را پشت پرده «ضرورت‌های نظامی» یا «امنیت ملی» پنهان کند.

■ بازتعریف عدالت در قواعد بین‌المللی
قواعد بین‌المللی اکنون در حال گذار از یک دوران تاریک به سوی بازتعریف عدالت هستند و عدالت در عصر جدید، به معنای این است که هیچ مقامی، فارغ از اینکه چه عنوانی دارد یا در کدام جایگاه قدرت نشسته است، اگر دست به جنایتی علیه بشریت زده باشد، در نهایت باید در برابر قانونی پاسخگو باشد که براساس «وجدان جمعی بشری» تنظیم شده است تا به امروز، مفهومی به نام مصونیت حاکمیتی به عنوان یک سپر دفاعی برای رهبران و فرماندهان نظامی به‌ کار می‌رفت تا از محاکمه در دادگاه‌های خارجی رهایی یابند، اما امروز شاهد سقوط این سپر هستیم. تحول در رویکرد دیوان کیفری بین‌المللی (ICC) و فعال شدن مفاد اساسنامه رم، پیامی دقیق به تمام مظلومان جهان است: «شما تنها نیستید و قانون، حتی اگر در مسیرش تأخیر داشته باشد، بازوی اجرایی‌اش را دارد».

■ استراتژی مقابله و ابزارهای حقوقی نوظهور
ما باید از این قدرت نوظهور دیوان کیفری به عنوان یک ابزار استراتژیک و عملیاتی استفاده کنیم. پرونده‌های مربوط به تجاوز به خاک ایران، ترورهای سازمان‌یافته و تخریب زیرساخت‌های غیرنظامی، دیگر نباید تنها در سطح نامه‌های دیپلماتیک و اعتراضات کلامی در سازمان ملل باقی بمانند. این موارد باید به عنوان «جنایات جنگی» و «جنایات علیه بشریت» در کنار پرونده‌های جهانی ثبت شوند. در این راستا، استفاده از صلاحیت جهانی ابزاری حیاتی است. این ابزار به سه دادگاه‌های ملی کشورهای ثالث اجازه می‌دهد تا فارغ از اینکه جنایت در کجا رخ داده و جنایتکار کیست، براساس حقوق بشر، دستور بازداشت و محاکمه صادر کنند. در واقع، هر کشوری که به حقوق بشر متعهد است، می‌تواند به عنوان دادگاه صلاحیت‌دار، پرونده‌های متجاوزان به ایران را باز کند.

■ سقوط ماسک‌های عدالت کاذب
صدور احکام بازداشت از سوی ICC آغاز یک دوران جدید است که ما آن را «سقوط ماسک‌های عدالت کاذب» می‌نامیم. جهانی که سال‌ها ادعای صیانت از حقوق بشر می‌کرد و در برابر جنایات سیستماتیک برخی قدرت‌ها چشم می‌بست، اکنون با حقیقتی تلخ و گریزناپذیر روبه‌رو شده است: استانداردها در گانه دیگر کار نمی‌کند!

وقتی قانون بین‌المللی برای اولین بار در برابر قدرت‌های مورد حمایت غرب می‌ایستد، این پیروزی حقوقی است. ما باید از این سابقه حقوقی برای باز کردن پرونده‌های جدید استفاده کنیم. هر حکمی که در لابه صادر می‌شود، بی‌مخ بر تابوت مصونیت متجاوزان است و ثابت می‌کند که هیچ جنایتی، هر چقدر هم سازمان‌یافته و با حمایت‌های بین‌المللی باشد، ابدی نیست.

■ پاسخ‌خواهی در عصر جدید

پیام ما به متجاوزان این است که فکر نکنید با تکیه بر قدرت نظامی، تسلیحات پیشرفته یا حمایت‌های سیاسی در امان هستید؛ «قانون» توری است که در نهایت تمام شما را به دام خواهد انداخت. دوران مصونیت‌های ابدی به پایان رسیده است. هر قطره خونی که ریخته شده، به سال‌ها پیش و چه امروز، پاسخ‌خواهی خواهد شد. عدالت، چه از طریق ICC و چه از طریق صلاحیت‌های جهانی، در راه است تا ثابت کند که حقیقت، هرگز زیر آوارهای بمباران یا در پرونده‌های بی‌گانهی شده گم نمی‌شود. لایه و دادگاه‌های سراسر جهان، اکنون در حال تبدیل شدن به عرصه‌ای برای اجرای احکام وجدان بشری هستند.

فرآیند ایفا کنند. همچنین، نظر به‌های مربوط به تقویت رفتاری نشان می‌دهد که پاداش‌های فوری و بازخوردهای مثبت می‌توانند احتمال تکرار یک رفتار را افزایش دهند.
پلتفرم‌های دیجیتال دقیقاً بر همین اساس طراحی شده‌اند و به همین دلیل برخی پژوهشگران معتقدند که ساختار الگوریتمی این پلتفرم‌ها می‌تواند به‌طور غیرمستقیم زمینه‌ساز ساختن آرایش‌های نقشی سازو کارهای انحرافی یا مجرمانه در میان کاربران جوان شود.

■ بازتعریف مسئولیت کیفری در عصر پلتفرم‌های دیجیتال
ما توجه به آنچه گفته شد، مسئله اصلی در تقاطع سه حوزه مهم قرار دارد: حقوق کیفری، جرم‌شناسی سایبری و مطالعات فناوری. از یک سو، افزایش حضور نوجوانان در فضای دیجیتال و درگیر شدن آنان در برخی جرائم سایبری، چالش‌های جدیدی را برای نظام عدالت کیفری ایجاد کرده‌است. از سوی دیگر، پیشرفت فناوری‌های الگوریتمی موجب شده‌است که رفتار کاربران در محیط‌های آنلاین بیش از گذشته تحت سواافزایش حضور نوجوانان در فضای دیجیتال و درگیر شدن آنان در برخی جرائم سایبری، چالش‌های جدیدی را برای نظام عدالت کیفری ایجاد کرده‌است. از سوی دیگر، پیشرفت فناوری‌های الگوریتمی موجب شده‌است که رفتار کاربران در محیط‌های آنلاین بیش از گذشته تحت تأثیر سازو کارهای فناوریانه قرار گیرد. در چنین شرایطی، بررسی این پرسش ضروری به‌نظر می‌رسد که الگوریتم‌های پلتفرم‌های دیجیتال تا چه اندازه می‌توانند در شکل‌گیری رفتارهای مجرمانه نوجوانان نقش داشته باشند؟ آیا این نقش‌ها چگونه می‌توانند بر رفتار نوجوانان تأثیر مورد توجه قرار گیرد یا خیر. به عبارت دیگر، آیا می‌توان الگوریتم‌های دیجیتال را صرفاً ابزارهایی خنثی دانست که کاربران از آنها استفاده می‌کنند، یا آنکه این الگوریتم‌ها به دلیل نحوه طراحی و اهداف اقتصادی پلتفرم‌ها، در عمل به عاملی مؤثر در جهت‌دهی رفتار کاربران تبدیل شده‌اند؟ بنابراین، مسئله اساسی آن است در شرایطی که الگوریتم‌های پلتفرم‌های دیجیتال با استفاده از داده‌های رفتاری کاربران، محتوایی را نمایش می‌دهند که بیشترین احتمال ایجاد هیجان، تعامل و واکنش را داشته باشد، این سازو کارها نقش‌ها چگونه می‌توانند بر رفتار نوجوانان تأثیر بگذارند و تا چه حد ممکن است آنان را به سمت رفتارهای پرخطر یا حتی مجرمانه در فضای سایبری سوق دهند. در چنین وضعیتی، تحلیل نقش نوجوانان در کتاب جرم سایبری بدون توجه به ساختار الگوریتمی محیط دیجیتال ناقص خواهد بود.

■ مشاور حقوقی

۱۲ تحلیل معضومه غیبیای سوهوا

تحولات شتابان فناوری‌های ارتباطی و گسترش روزافزون پلتفرم‌های دیجیتال در دهه‌های اخیر، الگوهای زیست اجتماعی و رفتاری نسل جدید را به‌طور بنیادین دگرگون کرده است و نوجوانان به‌عنوان یکی از فعال‌ترین گروه‌های سنی در فضای مجازی، بخش قابل توجهی از تعاملات اجتماعی، سرگرمی، یادگیری و حتی هویت‌یابی خود را در بستر شبکه‌های اجتماعی، پلتفرم‌های اشتراک‌گذاری محتوا و بازی‌های آنلاین تجربه می‌کنند و این حضور گسترده سبب شده‌است که فضای سایبری نه تنها محیطی برای ارتباط و تبادل اطلاعات باشد، بلکه به بستری اثرگذار در شکل‌دهی نگرش‌ها، هیجانات و رفتارهای اجتماعی نوجوانان تبدیل شود. در چنین فضایی، پلتفرم‌های دیجیتال برای افزایش میزان تعامل کاربران و حفظ آنان در محیط خود از الگوریتم‌های پیچیده‌ای بهره می‌گیرند که بر اساس تحلیل داده‌های رفتاری کاربران، محتوای متناسب با علایق، هیجانات و الگوهای رفتاری آنان را پیشنهاد می‌دهند. این الگوریتم‌ها که اغلب با هدف افزایش زمان حضور کاربر و تقویت چرخه مصرف محتوا طراحی شده‌اند، در بسیاری از موارد به‌گونه‌ای عمل می‌کنند که کاربر، به‌ویژه نوجوانان، به تدریج در معرض محتوایی قرار می‌گیرند که شدت هیجانی بالاتری دارد یا واکنش‌های رفتاری بیشتری ایجاد می‌کند. در نتیجه، فضایی پلتفرم‌های دیجیتال از یک محیط صرفاً ارتباطی به ساختاری تبدیل شده‌است که می‌تواند به‌طور فعال در شکل‌گیری و جهت‌دهی رفتار کاربران نقش ایفا کند.

■ نقش ساختارهای دیجیتال در شکل‌گیری جرائم سایبری نوجوانان

یکی از مهم‌ترین پیامدهای این تحول، ظهور و گسترش اشکال نوینی از بزهکاری در محیط سایبری است؛ پدیده‌ای که در ادبیات جرم‌شناسی از آن با عنوان «جرائم سایبری» یاد می‌شود. جرائم سایبری شامل طیف گسترده‌ای از رفتارهای مجرمانه همچون نفوذ غیرمجاز به سامانه‌های رایانه‌ای، سرقت داده‌های شخصی، مزاحمت و آزار اینترنتی، انتشار محتوای غیرقانونی، دستکاری اطلاعات، باجگیری دیجیتال، قلدری سایبری و مشارکت در فعالیت‌های غیرقانونی آنلاین است. در سال‌های اخیر، بررسی‌های جرم‌شناختی نشان داده‌است که نوجوانان سهم قابل توجهی در برخی از این رفتارها دارند؛ امری که توجه پژوهشگران